

یادداشت

شرط‌گذاری برای انتخابات!



تیسمنمازی

روزنامه‌نگار

با نزدیک شدن به انتخابات اسفندماه، فعالان جریان اصولگرا و میانه‌رو، تقریباً به طور مشترک، بدین نتیجه رسیدند که این انتخابات می‌تواند فرصتی باشد تا به ترمیم اعتماد اجتماعی و افزایش سرمایه اجتماعی کمک کند و برای نیل به این منظور لازم است تا شرایطی فراهم شود تا با حضور موثر همه جریان‌های سیاسی و احزابی که می‌توانند قاطبه مردم را نمایندگی کنند، مشارکت سیاسی را افزایش داده و سرمایه اجتماعی را هم ترمیم کنند. در این میان تکلیف یکی از دو جریان اصلی سیاسی کشور و نحوه حضورش در انتخابات مشخص بود. اما جریان دوم و مشارکت‌ساز است که هنوز نمی‌داند که باید چه برخوردی با این انتخابات داشته باشد. آنان نه‌قادرند به دلیل رد صلاحیت‌های کاندیداهای‌شان، به دادن فهرست انتخاباتی بپردازند و نه امید دارند که با بستن لیست‌های مورد تایید، طرفدارانشان در بدنه اجتماع را اقناع کنند تا در انتخابات شرکت کرده و به آن لیست‌ها رای دهند. وقتی جریان رقیب از شکست آنها در انتخاباتی که آنها در آن شرکت نکرده‌اند، افسانه‌سراییی می‌کند چه دلیلی دارد در انتخاباتی شرکت کنند که از پیش می‌دانند شانس در آن ندارند؟ با این توصیف بدیهی است که در چنین شرایطی اصلاح‌طلبان راهی جز چانه‌زنی با حاکمیت ندارند. با چنین محاسباتی جریان میانه‌رو، تلاش کرد تا بتواند اصلاح‌طلبان را ترغیب کند در این انتخابات شرکت کنند و اصلاح‌طلبان هم با محاسبات سیاسی، شرطی را مطرح کردند تا بتوانند ضامن حضور آنان باشد. پس از شروط مطرح شده از سوی سید محمد خاتمی به عنوان لیدر جریان اصلاح‌طلب و حسن روحانی، سعید حجاریان تئوریسین این جریان، در گفت‌وگویی با روزنامه اعتماد تلویحا اعلام کرد که چون نظام سیاسی شروط اصلاح طلبان را نخواهد پذیرفت، پس تقریباً حضور اصلاح‌طلبان در انتخابات منتفی است. این مصاحبه و با توجه به جایگاه سعید حجاریان در میان اصلاح‌طلبان تقریباً بمبی بود که در میان اصولگرایان ترکید. تا جایی که محمدرضا باهنر در تأییدش از این تلاش داشت با تقویت میانه‌روها راه را برای حضور اصلاح‌طلبان در انتخابات هموار کند، در مصاحبه‌ای اعلام کرد که این حاکمیت است که شرط خواهد گذاشت و خطاب به حجاریان و اصلاح‌طلبان گفت: «اگر خواستید وارد انتخابات شوید یکسری شرط و شروط است، اینها را بپذیرید بعد بشرف بیایورید.»

به نظر می‌رسد که با فروکش کردن اعتراضات پانیز گذشته، اصولگرایان دیگر نگران عدم مشارکت اصلاح‌طلبان هم نیستند. اما قطعاً اصلاح‌طلبان نمی‌توانند با رویه گذشته بایزیده انتخابات برخورد کنند. آنها لازم است تغییراتی را مشاهده کنند که این امید را بدهد شرکت‌شان در انتخابات، حداقل حمایت مردمی را به همراه خواهد داشت. به عبارت دیگر اگر بدون آمدن اصلاح‌طلبان، نظام سیاسی توان برگزاری انتخاباتی با مشارکت بالا را دارد، پس چه اهمیتی دارد که اصلاح طلبان چه بگویند و چه شرایطی بگذارند یا اصلاً خواسته‌ای را مطرح کنند؟ و اگر اهمیت ندارد شیوه برخورد آقای باهنر با اصلاح‌طلبان مبنی بر اینکه نظام برای اصلاح‌طلبان برای ورود به انتخابات شرط می‌گذارد، به چه معنایی است آنها می‌توانند بدون توجه به حرف و حدیث‌های این جریان سیاسی بااطمینان از مشارکت بالای مردم و قدرت سرمایه اجتماعی‌شان راه خود را بروند. به نظر می‌رسد که میانه‌روهای جریان اصولگرای، در شرایطی غیر افتاده‌اند که راه برون رفتی از آن ندارند. آنها می‌خواهند اصلاح‌طلبان به انتخابات ورود و تنور انتخابات را داغ کنند تا با کمک آنها سرمایه اجتماعی تقویت شده، اما در عین حال می‌خواهند این جریان به شکلی منویات آنان را پیاده کند. بر فرض هم که جریان اصلاح‌طلبی می‌کند، اما اگر بخشی از جامعه پای صندوق نایبند در این صورت حاصل فروردین روگردی چیست؟ در شرایطی که بخشی از حاکمیت با حمایت از تناسبی شدن انتخابات مایل است تا نظام حزبی را در کشور تقویت کند اما در مقابل از شرط‌گذاری برای احزاب سخن می‌گوید. سوازی اینکه سخنان سعید حجاریان درست باشد یا نه، نسخه پیچیده شده از سوی میانه‌روها اگر بر اساس نگاه دستوری باشد در مانگر وضع حاضر نخواهد بود.

خبر

معین‌الدین سعیدی:

مماشات بیش از حد برای مخالفت با واردات خودرو

یک نماینده مجلس یازدهم در خصوص معضلات صنعت خودرو اظهار داشت: نه تنها در صنعت خودروسازی، بلکه در حال حاضر در بسیاری از حوزه‌ها با خودتحریمی‌های مختلف سفره مردم را دچار چالش کرده‌ایم. بحث خودرو هم یکی از این موارد است؛ گفته می‌شود ۹۰ هزار میلیارد تومان تأمین مالی یک‌ماهه خودروسازان است؛ این پول از کجا تأمین می‌شود؟ طبیعتاً از جیب مردم. نتیجه چنین روندی هم اتفاقی جز ثبت پایین‌ترین استانداردهای کیفی و ایمنی نیست. امروز مشاهده می‌کنیم که در ۹۳ درصد موارد ایریگ خودروهای تولید داخل کار نمی‌کند. در چنین شرایطی عده‌ای به بهانه‌های مختلف در مقام مخالفت با واردات خودرو می‌ایستند. این مسائل که دیگر ارتباطی به تحریم ندارد. معین‌الدین سعیدی گفت: همان‌طور که تقابل قوا سازنده نیست، ماشاات بیش از حد برای مخالفت با واردات خودرو حد هم نباید قابل پذیرش باشد. وقتی همه ارکان نظام بپذیرفته‌اند که این موضوع جزو اولویت‌های کشور است، باید ظرفیت‌های ورود خودروی خارجی به کشور هم فراهم شود. حال پس از آنکه مجمع تشخیص مصلحت نظام هم بر گونه مغایرت موضوع واردات خودروهای دست دوم با قوانین وارد کرده، نشان نظارتی مجلس هم ایجاب می‌کند که دولت را ملزم با تسریع در روند واردات سازد.

حسن بهشتی پور در گفت‌وگو با «آرمان ملی»:

مذاکرات ایران و کشورهای غربی به صورت محرمانه ادامه دارد



وضعیت دولت بایدن در آمریکا روی روند

مذاکرات تأثیر گذاشته است

ایران و آمریکا به این نتیجه رسیده‌اند که باید

مذاکره کنند

توافق ایران و آمریکا هر اسمی می‌تواند

داشته باشد

جوسازی‌های داخلی گروه‌های خاص یکی از

موانع اصلی مذاکرات بوده است

آرمان ملی – احسان انصاری: «دو طرف با دواکنیزه متفاوت سر میز مذاکره نشستند، اما برای پیشگیری از افتادن در دام فضا سازی‌های رسانه‌ای، اولاً مذاکرات را محرمانه پیش می‌برند و ثانیاً خبری از هیچ متن مکتوبی نیست و به شکل نانووشته و تعهد در برابر تعهد پیش می‌رود. معتقدم گفت‌وگوهای واسطه‌ای در نهایت با مشکلاتی همراه خواهد بود. شاید بهترین راهکار برای تسریع مذاکرات بین ایران و ایالات متحده، گفت‌وگوهای رودررویی واسطه است. متأسفانه جوسازی برخی گروه‌ها و افکار داخلی یکی از موانعی بوده که همیشه در مسیر مذاکرات، کار شکنی ایجاد کرده است.» جملات ذکر شده اظهارات حسن بهشتی پور تحلیلگر روابط بین‌الملل در گفت‌وگو با «آرمان ملی» است. بهشتی پور در این گفت‌وگو به تحلیل و برررسی مهم‌ترین گمانه‌زنی‌های پیرامون مذاکرات هسته‌ای ایران می‌پردازد که در ادامه حاصل آن را می‌خوانید.

در حالی که پس از دیدار باقری و مورا در دوحه اخبار مثبتی درباره آینده مذاکرات مطرح می‌شد، اما آینده مذاکرات با چشم‌انداز مبهمی مواجه شده است. این در حالی است که اخبار مختلفی درباره مذاکره محرمانه ایران و کشورهای غربی وجود دارد. آیا دو طرف در پشت پرده در حال مذاکره برای رسیدن به یک نتیجه منطقی هستند؟

موج تکذیب‌های طرفین را می‌توان به ماه‌های قبل منتسب کرد، به ویژه زمانی که وزیر امور خارجه ایران اعلام کرد مذاکرات پشت پرده در جریان است، اما طرف آمریکایی این موضوع را اکیداً رد کرد، هر چند بعدها مشخص شد که در واقع، مذاکراتی در جریان بوده است. جنس تکذیب‌های فعلی بسیار نرم‌تر و خفیف‌تر از دوره‌های پیشین است. اکنون به نظر می‌رسد که هم ایالات متحده و هم ایران به این نتیجه رسیده‌اند که باید مذاکره کنند. ایران درک کرده که بدون مذاکره، لغو تحریم‌ها امکان پذیر نخواهد بود، اسم این گفت‌وگوها را هم «مذاکره برای پایان دادن به تحریم‌ها» گذاشته‌اند. آمریکا هم متوجه شده که تحریم‌ها هر چه فشار اقتصادی شدید به ایران وارد می‌کند، اما عمل نمی‌تواند مانع از پیشرفت هسته‌ای ایران باشد؛ بنابراین دو طرف با دو انگیزه متفاوت سر میز مذاکره نشستند، اما برای پیشگیری از افتادن در دام فضا سازی‌های رسانه‌ای، اولاً مذاکرات را محرمانه پیش می‌برند و ثانیاً خبری از هیچ متن مکتوبی نیست و به شکل نانووشته تعهد در برابر تعهد پیش می‌رود. معتقدم گفت‌وگوهای واسطه‌ای در نهایت با مشکلاتی همراه خواهد بود. شاید بهترین راهکار برای تسریع مذاکرات بین ایران و ایالات متحده، گفت‌وگوهای رودررو و بی‌واسطه است. متأسفانه جوسازی برخی گروه‌ها و افکار داخلی یکی از موانعی بوده که همیشه در مسیر مذاکرات، کار شکنی ایجاد کرده است.

وضعیت دولت بایدن در آمریکا و رویکردی که دموکرات‌ها در این کشور در پیش گرفته‌اند به چه میزان در روند مذاکرات تأثیر گذاشته است؟

یکی از مشکلات مهم مذاکرات در شرایط فعلی وضعیت دولت بایدن است که باعث محدودیت‌هایی در گفت‌وگو می‌شود. اگر زندانیان دو طرف آزاد شوند و داری‌های ایران نیز به شکل کامل آزاد شود، می‌توانیم انتظار برخی تحولات را داشته باشیم. هر چند نوع آزادسازی پول‌های ایرانیان نیز، جای بحث دارد. می‌دانیم که مطالبات ایران به شکل قطره چکانی، دارو، اقلام خوراکی و امثالهم پرداخت می‌شود، نه به شکل پول نقد، آن هم تحت نظارت ایالات متحده. چنین روش بازپرداختی مطلوب ایران نیست، اما در شرایط فعلی باید این وضعیت را بپذیریم. البته هم اکنون نیز باید مراقب باشیم با فردی که به عنوان مذاکره کننده ارشد انتخاب شده است، چگونه برخورد می‌شود. در دوران مذاکرات دولت آقای روحانی نوع برخورد‌های برخی طیف‌های فکری داخلی بی‌رحمانه و مبتنی بر حمله شخصی بود. هر نوع مذاکره‌ای با هدف پایان دادن تحریم‌های علیه مردم، در واقع نوعی خدمت به کشور است. اگر چه در خصوص دیدار انزیکه مورا و علی باقری، صحبت‌هایی درباره موفقیت‌آمیز بودن گفت‌وگوها مطرح شده، اما دو طرف اطلاعات چندانی را منتشر نمی‌کنند و دیدارها در سکوت خبری برگزار می‌شود. نظرات منفی نمایندگان کنگره درباره ایران حاصل لابی اسرائیلی‌هاست. در بین مخالفان برجام هم جمهوری خواهان و هم دموکرات‌ها وجود دارند و یک پدیده فرا حزبی است.

نکته دیگر اینکه رئیس‌جمهور ایالات متحده به حدی اختیارات دارد که حتی اگر کنگره نخواهد، بتواند توافق با ایران را اجرایی کند. مگر اینکه به توی اقدامات رئیس‌جمهور متوسل بشوند که فرایندی پیچیده و طولانی دارد. اما در شرایطی که سال آینده انتخابات سنا، ریاست جمهوری و مجلس نمایندگان آمریکا انجام خواهد شد، بعید است که در ۱۶ ماه آتی، اقدامات خاصی انجام شود. ایالات متحده به دنبال «برجام پلاس» است. این کشور مایل است علاوه بر مسائل هسته‌ای درباره مسائل منطقه‌ای

نگره

معنای اعلام نقض برجام توسط

اروپا چیست؟

ناصر کنعانی، سخنگوی وزارت خارجه ایران در واکنش به اقدام احتمالی کشورهای اروپایی در نقض برجام گفته «گزارش‌های رسانه‌ای را ملاک عمل و تصمیم‌گیری قرار نمی‌دهیم و بر اساس اقدامات طرف مقابل دست به اقدام می‌زنیم.» ماجرا از این قرار است که سه کشور اروپایی عضو برجام گفته‌اند «قرار نیست تحریم‌های مرتبط با استفاده تهران از موشک‌ها را که اکثر اسمال بر اساس زمان‌بندی برجام به طور اتوماتیک لغو می‌شود بردارند و عدم توجه به مفاد برجام، به معنای نقض برجام است.» پیش از این پیش‌بینی می‌شد که کشورهای اروپایی از ترس لغو اتوماتیک تحریم‌های موشکی علیه تهران در تاریخ ۱۸ اکتبر، دست به اسنپ‌بک بزنند. اسنپ‌بک یکی از مکانیزم‌های پیش‌بینی شده در برجام و به معنای بازگشت تحریم‌های سازمان ملل است که نه تنها در صورت اعمال آن مذاکرات شکست می‌خورد، بلکه برجام هم عملاً به تاریخ می‌پیوندد. اعمال تحریم‌های سازمان ملل به معنای استفاده طرف‌های برجام از مکانیزم ماشه تا قبل از تاریخ ۱۸ اکتبر و پایان برخی تحریم‌های سازمان مللی در برجام از جمله تحریم مرتبط با استفاده و فروش موشک‌های ایران است. نکته حائز اهمیت در مورد مکانیزم ماشه این است که چین و روسیه امکان و تو ندارند. استفاده از اسنپ‌بک نه تنها برجام را بلاموضوع می‌کند بلکه لغو تحریم‌های تسلیحاتی در سال ۲۰۲۰ را که امکان فروش قانونی پمپادهای ایرانی به روسیه را فراهم کرده بود و به ایران این اجازه را داده بود که بتواند از خرید جنگنده‌های سوخو-۳۵ روسی حرف بزند، هم بلاموضوع خواهد شد. توافق هسته‌ای برجام شامل یکسری تاریخ‌ها یا به اصطلاح «بند‌های غروب» بود که بر اساس آن تحریم‌های خاصی علیه نهادها و برنامه‌های خاص ایران قرار بود طی چند برنامه زمانی لغو شود، اما در سال ۲۰۱۵ پیش‌بینی نمی‌شد که این توافق به‌طور کامل از نقض شده باشد. بر اساس قطعنامه سازمان ملل متحد که توافق هسته‌ای ۲۰۱۵ را تأیید کرده بود، تحریم‌های اتحادیه اروپا قرار است در ۱۸ اکتبر منقضی شود. این تحریم‌ها ایران را وادار می‌کرد که هیچ کاری برای توسعه موشک‌های بالستیک که قادر به حمل سلاح هسته‌ای هستند، انجام ندهد. اما آنچه کشورهای اروپایی از آن حرف زده‌اند، «نقض برجام» و نه بلاموضوع کردن آن است. ادبیات اروپایی‌ها در مورد تحریم‌های موشکی که ۲۳ اکتبر قرار است به طور اتوماتیک طی برجام لغو شود، نشان می‌دهد آنها دست کم در این مقطع علاقه‌ای به از بین بردن کامل برجام ندارند.

رسانه‌های غربی معتقدند این تصمیم قدرت‌های اروپایی به این دلیل که مشخص نیست تهران چه واکنشی نشان بدهد، در هاله‌ای ابهام است. توجه رسمی اروپایی‌ها در مورد لغت عدم تمکین از مفاد برجام در مورد لغو تحریم‌های موشکی، آنها را فروش هواپیماهای بدون سرنشین ایران به روسیه برای استفاده در حمله به اوکراین و انتقال احتمالی موشک‌های بالستیک ایرانی به روسیه است.

توافق قریب‌الوقوع نیست

اروپایی‌ها مدعی‌اند بر اساس برجام، خرید، فروش یا انتقال هواپیماهای بدون سرنشین و اجزای آن‌ها که قادر به پرواز بیش از ۳۰۰ کیلومتر باشند، به ایران یا از ایران، بدون مجوز قبلی از شورای امنیت سازمان ملل، منع شده است. ایران چنین مجوزی را نداشته است. «لیزر ترانس» نخست‌وزیر پیشین بریتانیا گفته که این کاملاً حیاتی است که ایران به سلاح هسته‌ای دست پیدا نکند و گفته «آنها در حالی که در حال توسعه سلاح‌های هسته‌ای هستند که هم‌زمان به نوعی حل و فصل دیپلماتیک هم علاقه‌مند نشان می‌دهند. ما باید سختگیر باشیم. رافائل گروسی، مدیر کل آژانس بین‌المللی انرژی اتمی سازمان ملل هفته گذشته اعتراف کرده که توافق بر سر نظارت بر برنامه هسته‌ای ایران بسیار محدود و پراکنده شده است. در ایران نیز نمایندگان مجلس ایران نسبت به نصب برنامه ریزی شده حدود ۱۰ دوربین امنیتی در کارگاه تولید ساترنفیوز در یکی از سایت‌های اصفهان اعتراض کرده‌اند. آینده این توافق پس از مذاکرات در عمان بین ایالات متحده و ایران به سمت توافقی جهت عدم غنی‌سازی اورانیوم بیش از ۶۰ درصد در ازای آزاد کردن میلیارد‌ها دلار وجوه مسدود شده توسط غرب و همچنین برخی از زندانیان آمریکایی که در تهران، منتایل شده بود. وزارت امور خارجه ایالات متحده، اما به تازگی گفته که هیچ توافقی قریب‌الوقوع نیست، اما عملاً از طریق راب مالی در حال مذاکره بود هر چند این مذاکرات به دلیل تعلیق مجوز امنیتی راب مالی، فرستاده ویژه ایالات متحده توسط وزارت امور خارجه به دلیل سوءاستفاده احتمالی او از اطلاعات محرمانه، مختل شده است. مایک پمپئو، وزیر خارجه اسبق آمریکا، در کنفرانس نمایندگان در پاریس حاضر شد و دولت بایدن را به زامبی تشبیه کرد که می‌خواهد به توافق دیگری با ایران دست یابد.

در آینده دوباره به میز مذاکرات برمی‌گردند. تفاوتی ندارد نام مذاکرات چه گذاشته شود. نامش پایان تحریم‌ها علیه ایران باشد یا مذاکره برای برجام پلاس، تفاوتی ایجاد نخواهد کرد؛ چرا که هر گونه مذاکراتی آغاز شود، محور آن برجام خواهد بود. بنابراین به احتمال زیاد به مذاکره و گفت‌وگو برمی‌گردند. البته این به آن معنی نیست که از الان می‌توان پیش‌بینی کرد که در نهایت یک توافق صورت می‌گیرد، ولی همین که دوباره به میز مذاکره برگردیم بسیار اتفاق خوبی است. آنچه که باید مدنظر مسئولان جمهوری اسلامی قرار بگیرد این است که باید در سال جاری برای پایان دادن به این تحریم‌های ناجوانمردانه و انواع و اقسام فشارهای اقتصادی و سیاسی که هر پنه‌های گزافی روی دست ملت ایران گذاشته‌اند، راهی پیدا کنند. البته این مسیر به هیچ عنوان ساده و راحت نخواهد بود و ایران با چالش‌های متعددی در راه بازگشت به میز مذاکره مواجه است. واقعیت این است که پرونده برجام پس از کش و قوس‌های فراوان لازم است که تعیین تکلیف شود. لازمه این اتفاق حل مسائل ایران با آژانس بین‌المللی انرژی اتمی است.

اتفاقات اخیر مانند تبادل زندانیان و آزاد شدن بخشی از پول‌های بلوکه شده ایران چه تأثیری در روند مذاکرات خواهد داشت؟

وقتی در تحریم‌ها کاری موقت انجام شود طرف مقابل در بلندمدت همکاری نمی‌کند، چون هیچ امیدی به آینده نیست و مشخص نیست چه رفتاری خواهند کرد. یکی از مشکلات ما در سیاست خارجی همین است که درک دقیق منافع ملی چیست و در کجا نقطه ضعف و قوت داریم. اگر بدهی هیمان را از کره جنوبی بگیریم نقطه قوت است، اما مهم است که در مقابل چه چیزی می‌دهیم. این توافق بالاخره بر سر چه امتیازاتی برقرار شده است؟ اما با قطعیت می‌گویم که اگر بتوانیم داری‌هایمان را در هر کجای جهان آزاد کنیم یک نقطه مثبت برای ملت ایران است. نکته دیگر اینکه ما نباید به قطعنامه‌ها بی‌اهمیت باشیم و بگوییم به قطعنامه‌مان منتقل می‌شود. این قطعنامه‌ها در شورای حکام صادر می‌شود. ما می‌توانیم ساعت‌ها و روزها علیه شورای حکام حرف بزنیم، اما این راهکار نیست زیرا آنها نهاد نظارتی بر فعالیتهای ما در انرژی هسته‌ای این نهاد است. شک نکنید، برجام برای آمریکایی‌ها هم خیلی مهم است و فقط به دنبال این هستند که با شگردهای مختلف امتیاز بیشتری از ایران بگیرند. در واقع توافق هسته‌ای که توافقی برای عدم اشاعه هسته‌ای است، برای آمریکا، برای انگلیس، برای فرانسه... و واقعاً از اهمیت زیادی برخوردار است و اگر خودشان را بی‌نیاز نشان می‌دهند، دلیلش چیزی جز این نیست که دنبال «برجام پلاس» هستند تا دستاوردهای بیشتری نسبت به برجام گذشته به دست بیاورند. دولت نیز متوجه این واقعیت شده است که بدون برجام نمی‌تواند مشکلات را رفع کند. در واقع هیچ دولتی اقتصاد را به برجام گره زده است و اساساً مباحث اقتصادی و در کل سیاست داخلی از سیاست خارجی تأثیر می‌گیرد و اینطور نیست که دستی‌نارمی اینها را به هم ربط بدهد. همچنین تصمیم‌های دیپلماتیک هم ربط مستقیم با شرایط سیاست داخلی دارد. درباره نیاز غربی‌ها به برجام باید گفت، آنها در راستای عدم اشاعه هسته‌ای، توافق با ایران را امری مهم می‌دانند.

با وجود ایران سستی‌ها، ریشه مشکلات به نوع مدیریت خودمان بر می‌گردد. اینکه اسرائیل، آمریکا، انگلیس و... بدخواه ایران هستند، هیچ شک و تردیدی نیست، اما تا خودمان را اصلاح نکنیم، مشکلات‌مان پای‌جا خواهند ماند. واقعیت دیگر اینکه در مورد توافق احتمالی با غرب در مورد پرونده هسته‌ای ایران، چیزی که چندان اهمیت ندارد، اسم توافق است.

برجام با توافق رفع تحریم‌ها یا هر اسم جدیدی که برای آن انتخاب شود، زیاد مهم نیست. مهم محتوای توافق است. در حال حاضر آن گونه که می‌توان از عملکرد دولت سیزدهم برداشت کرد نه دولت سیزدهم چندان تمایلی به احیای برجام دارد و نه طرف آمریکایی برجام ۲۰۱۵ را می‌پسندد و چیزی فراتر از برجام یا به قولی برجام پلاس می‌خواهند.

هر نوع مذاکره‌ای با هدف پایان دادن تحریم‌ها علیه مردم، در واقع نوعی خدمت به کشور است. اگر چه در خصوص دیدار انزیکه مورا و علی باقری، صحبت‌هایی درباره موفقیت‌آمیز بودن گفت‌وگوها مطرح شده، اما دو طرف اطلاعات چندانی را منتشر نمی‌کنند و دیدارها در سکوت خبری برگزار می‌شود. نظرات منفی نمایندگان کنگره درباره ایران حاصل لابی اسرائیلی‌هاست. در بین مخالفان برجام هم جمهوری خواهان و هم دموکرات‌ها وجود دارند و یک پدیده فرا حزبی است

در خاورمیانه، قدرت موشکی ایران، سپاه و حقوق بشر در ایران صحبت کند.

گمانه‌زنی‌هایی درباره احتمال فعال شدن مکانیزم ماشه توسط کشورهای اروپایی علیه ایران وجود دارد. این گمانه‌زنی‌ها به چه میزان احتمال تحقق دارند؟

واقعیت این است که آلمان، فرانسه و انگلیس از برجام خارج نشدنند بنابراین متأسفانه می‌توانند مکانیزم ماشه را فعال کنند. به همین دلیل اگر ایران و آژانس به توافق نرسند، به نظر می‌رسد غربی‌ها قصد دارند با عنوان اینکه ایران ناقض برجام است و بعد بر اساس آن فعال سازی مکانیزم ماشه را اعلام کنند. ایران در زمان دولت آقای روحانی به صورت کتبی به اتحادیه اروپا اطلاع داده بود که اگر مکانیزم ماشه را به هر دلیلی فعال کنند، امکان دارد ایران از بی‌تی خارج شود و این اتفاق هم برای ایران خیلی گران تمام خواهد شد و هم برای اروپایی‌ها و آمریکایی‌ها بنابراین برای هر دو طرف اثر منفی خواهد داشت. من بر این باور هستم طرفین

موج تکذیب‌های طرفین را می‌توان به ماه‌های قبل منتسب کرد، به ویژه زمانی که وزیر امور خارجه ایران اعلام کرد مذاکرات پشت پرده در جریان است. اما طرف آمریکایی این موضوع را اکیداً رد کرد، هر چند بعدها مشخص شد که در واقع، مذاکراتی در جریان بوده است. جنس تکذیب‌های فعلی بسیار نرم‌تر و خفیف‌تر از دوره‌های پیشین است. اکنون به نظر می‌رسد که هم ایالات متحده و هم ایران به این نتیجه رسیده‌اند که باید مذاکره کنند. ایران درک کرده که بدون مذاکره، لغو تحریم‌ها امکان پذیر نخواهد بود، اسم این گفت‌وگوها را هم «مذاکره برای پایان دادن به تحریم‌ها» گذاشته‌اند. آمریکا هم متوجه شده که تحریم‌ها هر چه فشار اقتصادی شدید به ایران وارد می‌کند، اما عمل نمی‌تواند مانع از پیشرفت هسته‌ای ایران باشد